

پیش بینی بخشش در روابط زناشویی براساس سبک های دلبستگی و صفت شخصیتی توافق

هانیه کامکار^۱، محمدنقی فراهانی^۲

^۱ کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ استاد، گروه روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

هانیه کامکار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۳

چکیده

زمینه: ازدواج و به تبع آن خانواده، پناهگاه انسان اجتماعی است، مأمنی است که به دلخواه برگزیده می شود تا جایی برای سکون و آرامش باشد. عوامل مختلفی بر شکست یا موفقیت ازدواج تأثیر می گذارند. هدف: مطالعه کنونی به منظور تشخیص عوامل مؤثر در بخشش توسط مفاهیم مربوط به سبک های دلبستگی و گزیده ای از ویژگی های شخصیتی صورت گرفته است و در حیطه ی ویژگی های شخصیتی، ویژگی توافق انتخاب شده است.

روش: جامعه آماری شامل کلیه زوج هایی است که ساکن در خوابگاه متاهلین دانشگاه می باشند و دست کم یک سال از ازدواج آن ها سپری شده است. به همین منظور تعداد ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از سه پرسشنامه تجارب شخص در روابط صمیمانه، بخشش و پنج بزرگ ایرانی (گردون) استفاده شد. ابتدا رابطه ی میان متغیرها توسط همبستگی پیرسون بررسی شد، سپس برای تحلیل داده ها از شیوه ی رگرسیون گام به گام استفاده شد و نقش هریک از متغیرهای پیش بین یعنی سبک دلبستگی و توافق و میزان آن در پیش بینی متغیر ملاک یعنی بخشش مشخص گردید.

یافته ها: میان سبک دلبستگی ایمن و بخشش، دلبستگی نایمن اجتنابی و بخشش، ویژگی شخصیتی توافق و سبک های دلبستگی رابطه ی معنادار وجود ندارد. از طرف دیگر، سبک دلبستگی نایمن اضطرابی با بخشش و میزان توافق با میزان بخشش دارای همبستگی مثبت و معنادار هستند. از طریق سبک دلبستگی و توافق پیش بینی بخشش میسر بود.

نتیجه گیری: افرادی که سبک دلبستگی آن ها اضطرابی است به خاطر ترس از جدایی و از دست دادن بخشش بیشتری از خود نشان می دهند. همچنین افرادی که سطح بالاتری از توافق دارند، به دلیل ویژگی هایی چون دلرحمی، درک دیگران و سازگاری در مقابل خطاها بخشش بیشتری دارند.

واژگان کلیدی: بخشش، سبک دلبستگی، توافق، روابط زناشویی.

مقدمه

در دهه‌های گذشته این پرسش که چگونه ازدواج شکل می‌گیرد و کدام عامل‌ها بر شکست یا موفقیت آن تأثیر می‌گذارند، پژوهش‌های روانشناختی بسیاری را برانگیخته است. از آن زمان تاکنون بسیاری از پژوهش‌های تجربی نشانگر این نکته‌اند که دلبستگی نقش مهمی در پیوندهای بزرگسالان از جمله روابط عاشقانه و زناشویی آن‌ها بازی می‌کند (میکلینسر و فیلیپ، ۲۰۰۵). نظریه دلبستگی راهنمای خوبی هم برای شناخت عوامل خطرزای مؤثر بر شخصیت انسان و هم شناخت اثرات طولانی مدت دلبستگی بر روابط آینده انسان‌هاست (پیوسته‌کار، ۱۳۸۶).

اگر سبک دلبستگی را به عنوان یک سازه‌ی تفاوت فردی در نظر بگیریم، این فرض مطرح می‌شود که سبک‌های دلبستگی مثل سایر سازه‌های تفاوت‌های فردی واریانس مشترکی را با ابعاد پنج عامل اصلی شخصیت داشته باشند. توافق یکی از پنج صفت بزرگ ایرانی است که در زبان روزمره برای آن صفاتی چون همدردی، بخشندگی، مهربان، کمک‌کننده و ملاحظه‌کار را استفاده می‌کنیم. دستیابی به یک زندگی زناشویی رضایت‌بخش علاوه بر توافق مستلزم ویژگی‌های شخصیتی دیگری چون توانایی تحمل، مقابله و کار بر روی اشتباهات و نقص‌های اجتناب‌ناپذیر همسر است. در این میان بخشش واکنشی است که اجازه می‌دهد با وجود اشتباه‌ها، خیانت‌ها یا شکست‌ها رابطه ادامه یابد (فینچام، ۲۰۰۰).

در نتیجه مشخص گردیده که عوامل بسیاری همچون سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، بخشش و ... در شکل‌گیری، تداوم و فروپاشی روابط زناشویی سهمیم‌اند. مطالعه‌ی کنونی به منظور تشخیص عوامل مؤثر در بخشش توسط مفاهیم مربوط به سبک‌های دلبستگی و گزیده‌ای از ویژگی‌های شخصیتی صورت گرفته است و در حیطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی توافق انتخاب شده است.

از دید بسیاری از صاحب‌نظران ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی و مشکلات دوران کودکی با مراقبان اصلی، در سایر روابط صمیمانه‌ی دوران بزرگسالی نیز نمود می‌یابد (گلدنبرگ، ۲۰۰۰، به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۹). بالبی بر این عقیده بود که نظریه‌ی دلبستگی تنها یک نظریه‌ی تحول کودک نیست، بلکه نظریه‌ی تحول در فراخنای زندگی نیز می‌باشد. این نظریه معتقد است که نوع رابطه‌ی مادر-کودک در سال‌های اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی مادر، میزان حمایت مادر هنگام احساس خطر، درجه‌ی حساسیت مادرانه و تکیه‌گاه ایمن بودن مادر برای کودک، دلبستگی فرد را تعیین می‌کند (عیدی و خانجانی، ۱۳۸۵). نظریه‌ی دلبستگی بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌دانند (خانجانی، ۱۳۸۴). آن‌ها سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی را بعنوان عامل پایدار و چند نسلی تلقی کرده و پیشنهاد می‌کنند که چگونه خانواده مبدأ شخص می‌تواند بر روابط زناشویی او اثر بگذارد (گلدنبرگ، ۲۰۰۳). مطالعات مبتنی بر آسیب‌شناسی تحولی نیز رابطه‌ی بین تجارب منفی اولیه‌ی تحصیلی و خانوادگی و مشکلات روانشناختی و شبکه‌های معیوب زناشویی را مورد تأکید قرار می‌دهند (کلاسکو و ویسشر، ۲۰۰۳).

مک کری و کاستا (۱۹۹۹) الگوی نظری را برای تبیین الگوی پنج عاملی تنظیم کردند و آن را نظریه‌ی پنج عاملی خواندند. از نقطه نظر آن‌ها این پنج عامل تمایلات ذاتی هستند و زمینه زیستی دارند، یعنی تغییرات رفتاری مربوط به پنج عامل اصلی به ساختار ژن‌ها، ساختار مغز و عواملی از این قبیل مربوط می‌شود (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). احتمالاً می‌توان گفت که مزاج اولیه مثل اجتماعی بودن، فعال بودن و هیجانی بودن پس از رشد به ابعادی تبدیل می‌شود که ما آن‌ها را تحت عناوینی چون برونگرایی و نوروگرایی می‌شناسیم (باس و پلامین، ۱۹۸۴؛ کاستا و مک کری، ۱۹۹۷؛ کاسپی و رابرتز، ۱۹۹۹؛ دلوکیو، ۲۰۰۰؛ به نقل از پوین و جان، ۱۳۸۱). اما چه عواملی در رشد این خصوصیات مزاجی اولیه نقش دارد؟ در این میان سبک دلبستگی می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری ساختار پنج عامل اصلی شخصیت مؤثر باشد (گلداسمیت و الانسکی، ۱۹۸۷).

توافق یکی از پنج صفت بزرگ ایرانی است که در زبان روزمره برای آن صفاتی چون همدردی، بخشندگی، مهربان، کمک‌کننده و ملاحظه‌کار را استفاده می‌کنیم. یکی از کاربردهای این بعد، استفاده آن در رفتارهای فرااجتماعی و در حالت عکس آن رفتارهای خصمانه و ضداجتماعی است. فردی که رفتارهای فرااجتماعی را از خود بروز می‌دهد، نوعاً فردی مهربان و باعاطفه بوده و درصدد رفتارهای کمک‌کنندگی است، هرچند ممکن است این رفتارها باعث سوء استفاده‌ی دیگران و افراد دور و بر شود. اگر قبول نماییم که رفتار فرااجتماعی یک صفت است که با صفاتی که برشمردیم تواف است؛ بنابراین بایستی بپذیریم که این رفتار با سایر رفتارهایی

که آن را همراهی می‌کنند، وابستگی و قرابت دارد. کار دیگری را به دوش گرفتن، همدردی و هم‌حسی کردن، استدلال‌های منطقی و اخلاقی سطح بالا داشتن، کار دیگران را ارزشمند دانستن، احساس مسئولیت در مقابل دیگران داشتن و خود را قربانی دیگران کردن مثال‌هایی از این موضوع هستند. با داشتن چنین ویژگی‌هایی می‌توان انتظار داشت که این افراد دارای قابلیت‌های اجتماعی سطح بالا بوده و منبع کنترل درونی داشته که ناظر بر پذیرفتن مسئولیت سطح بالا برای خود می‌باشد و حتی باعث می‌شود که مسئولیت را از طرف دیگران نیز به عهده گیرند (فراهانی، ۱۳۸۸).

دستیابی به یک زندگی زناشویی رضایت‌بخش علاوه بر توافق مستلزم ویژگی‌های شخصیتی دیگری چون توانایی تحمل، مقابله و کار بر روی اشتباهات و نقص‌های اجتناب‌ناپذیر همسر است. در این میان بخشش واکنشی است که اجازه می‌دهد با وجود اشتباه‌ها، خیانت‌ها یا شکست‌ها رابطه ادامه یابد (فینچام، ۲۰۰۰). در خانواده درمانی بافتی، باور بر این است که بخشش هنگامی ضرورت دارد که اشتباه‌ها، اصول اخلاقی همسران و حس عدالت در ازدواج را نقض کند (بوزور، ۱۹۸۹، به نقل از دیبلاسیو، ۱۹۹۸). بخشش به شخصی که خطاها در حق او صورت گرفته، امکان می‌دهد تا از هیجان منفی که رابطه را مختل می‌کند رها شود و رشد بازنمایی‌های شناختی مثبت از همسر را تشویق می‌نماید (فلنیگان، ۱۹۸۸). بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و دازمدت است (ریپالی، ۲۰۰۲ & اکسلین، ۲۰۰۰). بخشش به زوج‌ها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آن‌ها در آینده کمک می‌کند (ورتینگتون & دیبلاسیو، ۱۹۹۰).

برخی از پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دلبستگی زوج‌ها ریشه دارند. کوباک و هازن (۱۹۹۴) پیشنهاد کردند که نشانه‌های آشفتگی زناشویی نشانه‌ای از دلبستگی ناایمن است. نارضایتی همسران اغلب از ترس‌های برخاسته از سبک دلبستگی آن‌ها نشأت می‌گیرد (ترس از رها شدن یا نبود صمیمیت). همچنین، پیروان زوج درمانی هیجان‌مدار بر این باورند که مشکلات زوج‌های آشفته در سبک‌های دلبستگی آن‌ها ریشه دارند که باید برای ایجاد پیوند عاطفی امن میان زوج‌ها دوباره بررسی، پردازش و تغییر یابند.

از این‌رو نظریه و پژوهش از این باور که دلبستگی ناایمن با آشفتگی زناشویی مرتبط است، حمایت می‌کنند (گرینبرگ و جانسون، ۱۹۸۸؛ به نقل از داویلا، ۲۰۰۱).

پژوهش نشان داد که فرآیندهای دلبستگی انتظارات فرد از روابط را شکل می‌دهد و بر رفتار آن‌ها با شریک زندگیشان هنگامی که دچار استرس می‌شوند اثر می‌گذارد (کولینز، ۱۹۹۶). احساس عدم امنیت با رضایت زناشویی اندک همراه است و امکان دارد برخی همسران در چرخه‌ای از تعاملات منفی گرفتار شوند که احساس‌های مزمن ناایمنی و نارضایتی را حفظ می‌کنند (داویلا و همکاران، ۱۹۹۹).

روش

این پژوهش از نوع توصیفی است. در پژوهش‌های توصیفی "آنچه هست" یا "وضعیت موجود" پدیده‌ها بررسی می‌شوند. به بیان دیگر، پژوهشگر در این‌گونه پژوهش‌ها سعی می‌کند "آنچه هست" را بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی از موقعیت بگیرد (حسن‌زاده، ۱۳۸۱). در این قسمت به بررسی رابطه متغیرهای سبک دلبستگی و ویژگی شخصیتی توافق با بخشش می‌پردازیم. متغیرهای پیش‌بین سبک دلبستگی و توافق و متغیر ملاک بخشش می‌باشد. به جامعه آماری، نمونه، ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

جامعه ما در پژوهش کنونی کلیه زوج‌های ساکن خوابگاه متأهلین دانشگاه شیراز بود که دست‌کم یک سال از ازدواج آن‌ها سپری شده بود. در این پژوهش ۱۵۰ زوج (۱۵۰ مرد و ۱۵۰ زن) بصورت دردسترس بعنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، ابتدا در یک برگه‌ی مجزا علاوه بر تأکید بر اهِت پژوهش، روش تکمیل پرسشنامه‌ها توضیح داده شد. پژوهشگر برای هر زوج سه پرسشنامه در نظر گرفت، به بیان دیگر هر زوج باید به شش پرسشنامه پاسخ می‌داد. براساس راهکارهایی که ارائه داده شد، پرسشنامه‌ها باید به تنهایی و بدون مشورت دیگری تکمیل می‌شدند. بر روی هر پرسشنامه، پرسش‌های مربوط به مشخصات دموگرافیک که شامل سن، جنس، تحصیلات و مدت زمان سپری شده از ازدواج است آورده شد.

ابزار

الف) پرسشنامه تجارب شخص در روابط صمیمانه-تجدیدنظر شده: این پرسشنامه که سبک دلبستگی فرد را در حال حاضر می‌سنجد، دارای ۳۶ پرسش است که بوسیله‌ی برنان، فرالی و والر (۲۰۰۰) به نقل از پیوسته‌گر (۲۰۰۶) تدوین شده است. ۱۸ پرسش آن دلبستگی اضطرابی را نشان می‌دهد و ۱۸ پرسش دیگر دلبستگی اجتنابی را محاسبه می‌کند. کسانی که در زیر مقیاس اضطراب نمره‌ی بالا می‌گیرند، نیاز شدید به پذیرش و تأیید دیگران داشته و تمایل به نگرانی در این موارد را دارند که آیا همسرشان پاسخ‌دهنده و در دسترس خواهد بود. کسانی که در این مقیاس نمره‌ی پایین می‌گیرند، دلبستگی ایمن دارند و به پاسخ‌دهنده بودن همسرشان اعتماد دارند. کسانی که در زیر مقیاس اجتنابی نمره‌ی بالا می‌گیرند، از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران ناراحتند. چنین افرادی احساس می‌کنند اگر احساسات و عواطفشان را ابراز کنند، زیان خواهند دید. بزرگسالان ایمن از هر دو زیر مقیاس نمره‌ی پایین می‌گیرند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرانباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان پایایی این پرسشنامه بالاست.

پیوسته‌گر (۱۳۸۵) به منظور محاسبه‌ی روایی آزمون تجارب شخص در روابط صمیمانه از روش تحلیل عوامل استفاده کرد. تحلیل عاملی پرسش‌های آزمون نشان داد که پرسش‌ها به گونه‌ای معنادار با عوامل مورد بررسی آزمون (سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی) همبستگی دارند. نتایج تحلیل نشان داد که پرسش‌های ۱، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۵ در عامل یک (سبک دلبستگی ایمن) و پرسش‌های ۲، ۳، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۶ در عامل دوم (دلبستگی اضطرابی) و پرسش‌های ۴، ۵، ۱۱، ۱۹، ۲۲، ۲۸، ۳۳، ۳۴ در عامل سوم (دلبستگی اجتنابی) دارای بار علمی بیشتری بودند. در این پژوهش پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۷۸. بدست آمد که حاکی از دقت بالای آزمون است. ب) پرسشنامه اندازه‌گیری پنج بزرگ ایرانی (گردون): با این هدف طراحی شده است که به شکل عینی صفات عمده‌ی شخصیت فرد را اندازه‌گیری نماید. داشتن حداقل تحصیلات دوره راهنمایی، برای پاسخ دادن به پرسشنامه ضروری است. اجرای معتبر پرسشنامه علاوه بر این، به میزان سطح سلامت بدنی و هیجانی پاسخ‌دهنده بستگی دارد. پرسشنامه گردون به صورت فردی و گروهی قابل اجرا است. پرسشنامه مذکور شامل ۹۰ سؤال در فرم بلند است. برای پاسخ به هر کدام از سؤالات پرسشنامه از افراد خواسته می‌شود که در یک مقیاس پنج درجه‌ای میزان موافقت و مخالفت خودشان را اعلام کنند. از آنجا که متغیر مورد نظر در تحقیق حاضر ویژگی شخصیتی توافق است، لذا از میان ۵ عامل، تنها مقیاس مربوط به توافق سنجیده شد که شامل ۱۰ سؤال است. کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲)، به نقل از روشن، شعیری، عطری‌فرد، نیکخواه، قائم‌مقامی و همکاران، (۱۳۸۵) ضریب آلفای بین ۰/۶۸ برای توافق تا ۰/۸۶ برای روان‌رنجورخویی را گزارش کرده‌اند. گروسی فرشی (۱۳۸۰) این پرسشنامه را در ایران به فارسی ترجمه و بر روی دانشجویان ایرانی هنجاریابی کردند.

ج) پرسشنامه بخشش: پرسشنامه‌ی بخشش ری (ری، ۱۹۸۸)، به نقل از ری و همکاران، (۲۰۰۱) شامل ۱۵ گویه است که نمره‌های بالا در این مقیاس نشان‌دهنده‌ی بخشش بیشتر نسبت به آزاردهنده است. مقیاس اصلی دارای ۱۶ گویه بوده و پس از انجام تحلیل عاملی ۱ گویه آن حذف و به ۱۵ گویه تبدیل گردید. نمره‌های بالا در این مقیاس نشان‌دهنده‌ی بخشش بیشتر نسبت به آزارنده است. ری این معیار را با معیار سنجش بخشش انرایت مورد مقایسه قرار داد. همبستگی به دست آمده به شیوه هم‌سازی نسبتاً بالا بود: $I = 0.75 - 0.50$ (ری و همکاران، ۲۰۰۱).

آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش زندگی‌پور و یادگاری (۱۳۸۶) $I = 0.96$ بدست آمد. در این پژوهش نیز به منظور محاسبه‌ی پایایی این آزمون از روش آلفای کرانباخ استفاده شد. مقدار آلفا ۰/۸۳ بدست آمد که حاکی از دقت بالای این آزمون است.

یافته‌ها

داده‌های این مطالعه براساس ۳۰۰ پرسشنامه‌ی تکمیل شده توسط پاسخ‌دهندگان به دست آمده است. به هر یک از پاسخ‌دهندگان یک پرسشنامه سنجش سبک دلبستگی، یک پرسشنامه توافق و یک پرسشنامه بخشش داده شد و فرم‌ها تکمیل شد.

بیشتر افراد مورد پژوهش در محدوده‌ی سنی ۲۱ تا ۳۰ سال قرار دارند. با توجه به جدول میانگین سنی آزمودنی‌ها ۲۸ سال است. که از این تعداد ۴۸٫۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس و پس از آن ۲۴٫۱ درصد دکترا می‌باشند و کمترین فراوانی را افراد زیر دیپلم تشکیل می‌دهند. همچنین، بیشترین تعداد نمونه معادل ۷۱٫۳ درصد را افرادی تشکیل داده‌اند که بین ۱ تا ۵ سال از ازدواج آن‌ها سپری شده است و کمترین فراوانی مربوط به محدوده‌ی ۱۵ سال به بالا است.

جدول ۱. ضریب همبستگی بین بخشش و سبک‌های دلبستگی

متغیر	بخشش
دلبستگی ایمن	$r = -.028$
سطح معناداری	$Sig = .628$
دلبستگی ناایمن اضطرابی	$r = .293$
سطح معناداری	$Sig = .000$
دلبستگی ناایمن اجتنابی	$r = .079$
سطح معناداری	$Sig = .174$

با توجه مقادیر نمایش داده‌شده در جدول بین دلبستگی ایمن و دلبستگی ناایمن اجتنابی، با بخشش ارتباط معناداری وجود ندارد.

بین دلبستگی ایمن و بخشش ارتباطی معنادار است. در نتیجه فرضیه‌ی میان سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی و بخشش رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین توافق و سبک‌های دلبستگی

متغیر	توافق
دلبستگی ایمن	$r = .043$
سطح معناداری	$Sig = .453$
دلبستگی ناایمن اضطرابی	$r = .103$
سطح معناداری	$Sig = .705$
دلبستگی ناایمن اجتنابی	$r = -.071$
سطح معناداری	$Sig = .222$

یافته‌های مطالعه با توجه به جدول نشان می‌دهد که میان توافق و سبک دلبستگی ایمن ضریب همبستگی ($0.43/$) است. در نتیجه میان توافق و دلبستگی ایمن تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین، همبستگی توافق و سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی ($0.103/$) معنادار نیست. جدول نشان می‌دهد که همبستگی بین توافق و سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی ($0.071/-$) است. در نتیجه باید گفت که میان میزان توافق و دلبستگی ناایمن اجتنابی رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین توافق و بخشش

متغیر	بخشش
توافق	$r = .210$
سطح معناداری	$Sig = .000$

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که همبستگی توافق و بخشش (۲۱۰) است. پس رابطه‌ی میان میزان توافق و بخشش مستقیم و معنادار است. بدین معنا که توافق بیشتر میزان بیشتر بخشش را سبب می‌شود. در نتیجه پاسخ به این سؤال که آیا رابطه‌ای میان توافق و بخشش وجود دارد مثبت است.

جدول ۴ - نتایج به‌دست آمده از رگرسیون

مرحله	نام	B	Beta	T	Sig
۱	دلبستگی نایمن اضطرابی	/۰۶۷	/۲۹۵	۵/۳۲۰	/۰۰۰
۲	توافق	/۰۹۴	/۱۷۱	۳/۱۰۶	/۰۰۲

با توجه به مدل تحلیل مسیر می‌توان گفت که از میان متغیرهای گنجانده شده در مطالعه، بیشترین تأثیر بر بخشش مربوط به سبک دلبستگی نایمن اضطرابی است، به‌طوری که ضریب مسیر برای این متغیر برابر با ۲۹۵/ می‌باشد. پس از آن متغیر توافق با ضریب مسیر ۱۷۱/ دارای اثر بر متغیر بخشش است. در نتیجه می‌توان به این سؤال که سبک دلبستگی از نوع نایمن و توافق پیش‌بینی‌کننده‌های بخشش هستند پاسخ مثبت داد. سبک دلبستگی اضطرابی و توافق نهایتاً ۱۱ درصد از تغییرات متغیر بخشش را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه‌ی بخشش زوجین با سبک دلبستگی و توافق یا سازگاری و در نهایت پیش‌بینی سازه بخشش در این گروه بر اساس سبک دلبستگی و توافق بود. جامعه‌ی مورد مطالعه زوج‌های ساکن خوابگاه متأهلین دانشگاه شیراز بودند که دست‌کم یک سال از ازدواج آن‌ها سپری شده بود. گروه نمونه تعداد ۳۰۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد) از این افراد بودند که بر اساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس نتایجی که از پردازش آماری توسط نرم‌افزار SPSS به‌دست آمد، یافته‌های زیر بدست آمد:

میان سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و بخشش رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. اما می‌توان گفت میان سبک دلبستگی نایمن اضطرابی و بخشش رابطه معنادار است. این نتیجه با یافته‌ی مک کالوگ (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. مک کالوگ در این پژوهش بیان کرد که افراد دلبسته‌ی نایمن به دلیل نداشتن حس همدلی و عدم کنترل منفی عواطف منفی خود نمی‌توانند دیگران را ببخشند. نه تنها نظریه دلبستگی به این گفته اعتبار می‌بخشد، بلکه پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی بخشش وجوه اشتراک سبک‌های دلبستگی و پیش‌بینی‌کننده‌های بخشش را برجسته ساخته‌اند. افراد غیر بخشنده و کسانی که الگوی درونی آن‌ها نایمن است، به رخدادهای ارتباطی تهدیدکننده به صورت منفی، هیجانی و رفتاری واکنش نشان می‌دهند، نشخوارهای ذهنی منفی دارند و مستعد ابتلا به افسردگی هستند (سیمپسون و ری‌هولز، ۲۰۰۴؛ تسی و چانگ، ۲۰۰۶).

همانطور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میان میزان توافق و سبک دلبستگی ایمن و نایمن رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. براساس یافته‌ها می‌توان گفت که میان میزان توافق و بخشش رابطه‌ی معنادار وجود دارد، این نتیجه به این معنا است که افرادی که از میزان بالاتری از سطح توافق برخوردارند، در زندگی خود میزان بالاتری از بخشش را نشان می‌دهند. افراد با سطح توافق بالا به دلیل ویژگی‌هایی چون همدردی، سازگاری و درک دیگران می‌توانند خود را به جای فرد خاطی بگذارند. گروهی که توافق بیشتری دارند دریافته‌اند که بخشش مکانیسم مناسبی برای حفظ روابط است.

فرد موافق اساساً نوع دوست است. احساس همدردی با دیگران می‌کند و مشتاق کمک به آنان است و معتقد است که دیگران نیز با او همین رابطه را دارند. توافقی‌ها دیدگاه روشن‌فکرانه‌تر و نگرش انعطاف‌پذیری برای حل مشکل دارند، همچنین انعطاف بیشتری برای تغییر نگرش و تحلیل روابطشان دارند. افراد دارای نمره بالا در توافق، بیشتر سازگار می‌باشند زیرا توافق، تعاون و

اعتماد را میان افراد افزایش می‌دهد. افراد توافق‌پذیر بر حفظ ارتباطات مثبت و فارغ از تعارض برانگیخته می‌شوند و بخشودگی برای آنان به معنای دستیابی به این هدف است.

همانطور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد توافق و سبک دلبستگی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های بخشش باشند، رابطه‌ی میان توافق و سبک دلبستگی در پیش‌بینی بخشش معنادار است، به این صورت که بیشترین تأثیر بر بخشش مربوط به سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی است، به‌طوری که ضریب مسیر برای این متغیر برابر با ۰/۲۹۵ می‌باشد. پس از آن متغیر توافق با ضریب مسیر ۰/۱۷۱ دارای اثر بر متغیر بخشش است. سبک دلبستگی اضطرابی و توافق نهایتاً ۱۱ درصد از تغییرات منغیر بخشش را تبیین می‌کنند.

در تبیین این یافته باید گفت که شباهت‌های مهمی میان نظریه‌ی دلبستگی و بخشش وجود دارد. هر دو شامل سازه‌هایی چون همدلی، خودگردانی هیجانی و درک دیگران هستند (انرایت، ۲۰۰۱) که این صفات همدلی و درک دیگران از ویژگی‌های افرادی است که سطح توافق بالاتری دارند (فراهانی، ۱۳۸۸).

منابع و مراجع

- [۱] آتش‌روز، بهروز؛ پاکدامن، شهلا؛ عسگری، علی. (۱۳۸۷). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دلبستگی. فصلنامه خانواده‌پژوهی (علمی-پژوهشی). دوره ۴، شماره ۴: ۲۰۳-۱۹۳.
- [۲] احتشام زاده پروین، طیبی زهره. (۱۳۹۰). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با بخشودگی در کارکنان شرکت ملی نفت اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی؛ ۶(۱۸): ۷۵-۹۰.
- [۳] اصغری‌نژاد، م و دانش، ع. (۱۳۸۴). رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان شادکامی و توافق در مسایل زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه. مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۴، شماره ۴.
- [۴] بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین ناباور. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، دوره ۱۹، شماره ۳.
- [۵] بشارت، محمدعلی و شریفی، م و ایروانی، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی. مجله روانشناسی، دوره ۱۹، شماره ۳.
- [۶] بشارت، محمدعلی و گلی‌نژاد، م و احمدی، ع. (۱۳۸۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی دانشجویان دانشگاه تهران. بازیابی شده در ۱۲ می ۲۰۰۶ از سایت: <http://www.Iranpa.org.12/5/2006>.
- [۷] بیرامی، منصور و فهیمی، صمد و اکبری، ابراهیم و امیری‌پیچاکالایی، احمد. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. مجله اصول بهداشت روانی، دوره ۱۴، شماره ۱.
- [۸] حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق. تهران: انتشارات ساوالان.
- [۹] خسروی، زهره و بلیاد، محمدرضا و ناهیدپور، فرزانه و آزادی، شهدخت. بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه کننده به مرکز مشاوره شهرستان کرج. فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، پاییز ۱۳۹۰.
- [۱۰] دلاور، علی (۱۳۸۶). روشهای تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. انتشارات پیام نور.
- [۱۱] شاکر علی، فتحی آشتیانی علی، مهدویان علیرضا. بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زوجین. مجله علوم رفتاری. ۱۳۹۰؛ ۵ (۲): ۲۳-۲۴.
- [۱۲] شکرکن، حسین؛ خجسته‌مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال؛ شهنی ییلاقی، منیژه (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی بعنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، ص ۱-۳.
- [۱۳] عیدی، رقیه و خانجانی، زینب (۱۳۸۵). "بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی". فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز ۲: ۱۶۵-۱۹۱.
- [۱۴] غفوری ورنوسفادرائی، محمدرضا و گل‌پرور، محسن و مهدی‌زادگان، ایران. (۱۳۸۸). سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی بعنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۷، شماره ۲.
- [۱۵] فراهانی، محمدنقی. (۱۳۸۸). پنج صفت بزرگ ایرانی. تهران: انتشارات جهاددانشگاهی واحد تربیت معلم.
- [۱۶] کاپلان، پ. (۲۰۰۰). نظریه‌های رشد سفر پرماجرای کودک. ترجمه م. فیروزبخت (۱۳۸۳). تهران: انتشارات رسا.
- [۱۷] کرین، و. ک. (۲۰۰۰). نظریه‌های رشد مفاهیم و کاربردها. ترجمه: غ. خوئی‌نژاد و ع. رجایی (۱۳۸۴). تهران: انتشارات رشد.
- [۱۸] گلدنبرگ، ایرونه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۹۳۴). خانواده درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات روان.
- [۱۹] لسترام، ا. (۲۰۰۲). روانشناسی. ترجمه ج. صادقی (۱۳۸۴). تهران: انتشارات سمت.
- [۲۰] مظاهری، محمدعلی. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. مجله روانشناسی، (۳)، ۴ و ۵، پیاپی: ۳۱۸-۲۸۶.
- [۲۱] منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۷۴). دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی. تهران: بعثت.
- [۲۲] ناصری، حسین. (۱۳۸۴). راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی. تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.

- [۲۳] حق‌شناس، حسن (۱۳۷۸). هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو (فرم تجدیدنظر شده). اندیشه و رفتار.
- [۲۴] کیامهر، جواد (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO-FFI و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۲۵] گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷). هنجاریابی آزمون شخصیتی **NEOPI-R** و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. پایان نامه دکترا، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- [26] Brosel, L. A. & Rye, M. S. & Lutz-Zois. c. & Ross, S. R. (2005). Forgivingness and Personality traits. *Personality and Individual Differences*, 39, 35-46.
- [27] Buss, D. M & Shackelford. T. K. (1997). Susceptibility to Infidelity in the first Year of Marriage. *Journal of research in personality*, 31, 143-221.
- [28] Costa, P. T. & McCrae, R. R. (1995). Domains and Facets: Hierarchical personality. *Journal of Personality Assessment*, 64, 21.
- [29] Diblasio, Frederick. A. (1998). The use of a decision-based Forgiveness intervention within intergeneration family therapy, *Journal of Family Therapy*, vol.20.
- [30] Fincham, F.D. Beach, Steven, R. Davila, Joanne. (2004). Forgiveness and Conflict resolution in marriage. *Journal of Family psychology*, vol.18.
- [31] Fincham, F.D. (2000). The kiss of the porcupines: from attributing responsibility to forgiving, *personal relationship*, 7.
- [32] Flanagan, B. (1998). *Fogivers and Unforgivers*. Madison: University of Wisconsin Press.
- [33] Friesen, Myron D. Fletcher, Garth, O. & Overall, Nickola. (2005). A dyadic assessment of forgiveness in intimate relationship, *Journal of Personal Relationship*. vol.12.
- [34] Orathinklakouros, Jose. & Vansteen, Alfons. (2006). The effect of Forgiveness on marital satisfaction in relation to marital stability. *Contemp fam Ther*, vol.28. 251-260.
- [35] Papalia, D. E. (2002). *A Child's World: Infancy through adolescence*. New York: McGraw-Hill.
- [36] Pins, M. A. (2005). *Falling in Love (why we choose the love we choose)*. New York and hove: Routledge.
- [37] Riply, J. S. & Worthington, E. L. (2002). Hope-Focused and forgiveness-based group intervention to promote marital enrichment. *Journal of Counseling & Development*, vol.80.
- [38] Shaver, P. R. & Berman, K. A. (1992). Attachment styles and the Big five personality traits. *Personality and social Psychology Bulletin*.
- [39] Shechtman, Z. & Wade, N. G. & Khoury, A. (2009). Effectiveness of a forgiveness program for Arab Israeli adolescents in Israel: An empirical trial. *Peace and conflict: Journal of Peace Psychology*, 15, 415-438.
- [40] The Effect of Forgiveness Therapy on Depression, Anxiety, and Posttraumatic stress for Women after spousal Emotion Abuse. StudyMode.Com. Retrieved 09,2011, from <http://www.StudyMode.com/essays/The-Effects-Of-forgiveness-Therapy-On-784293.html>.
- [41] Worthington, J. R. & Diblasio, F. (1990). Promoting mutual forgiveness within the fractured relationship, *Psychotherapy* 27, pp. 219-233.